

این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است

سرشناسه : محمدی ری شهری. ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور : شناخت نامه قرآن بر پایه قرآن وحدیث (فارسی - عربی) / محمد محمدری شهری. با همکاری جمعی از
پژوهشگران؛ ترجمه حمید رضا شیخی.
مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر. ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ج.

ISBN(set) : 978 - 964 - 493 - 627 - 2

ISBN : 978 - 964 - 493 - 628 - 9

وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : فارسی - عربی.
یادداشت : ج. ۲-۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیا).
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : قرآن - علوم قرآنی
موضوع : قرآن - بررسی و شناخت
شناسه افزوده : شیخی، حمید رضا. ۱۳۶۱- مترجم
شناسه افزوده : دارالحدیث. مرکز چاپ و نشر
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ش ۹ م ۳/۵ ۶۹ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۰۸۵۰۰

شناخت نامه قرآن

برپایه

قرآن وحید

نورس - عربی

محمدی ای شهری

جلد اول

مترجم

حمیدرضا شیخی

با همکاری

جمعی از پژوهشگران

شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث (فارسی-عربی) / ج ۱

محمد محمدی ری‌شهری

با همکاری: جمعی از پژوهشگران (اصغر هادی کاشانی، محمد احسانی فر و...)

مترجم: حمیدرضا شیخی

تحقیق: گروه تفسیر پژوهشکده علوم و معارف حدیث (علی رضا نظری خرم، محمدرضا حسین‌زاده، علی شاه‌علی‌زاده)

ارزیاب علمی: سید محمد کاظم طباطبایی، عبد الهادی مسعودی، سید رسول موسوی

بازبین ترجمه: محمد مرادی، محمد هادی خالقی

همکاران:

مصدریابی احادیث و مقابله با مصادرات: حسنین دبّاغ (مدیر واحد مصدریابی)، رعد بهبهانی پور، عبد الکریم حلفی

اعراب‌گذار: رسول افقی

مدیر آماده‌سازی کتاب: محمد باقر نجفی

ویراستاران: محمد هادی خالقی (سروراستار)، حسنین دبّاغ و گروه همکار (ویرایش عربی)، علی خنیفرزاده

(ویرایش تحلیل‌ها)، محمد باقری‌زاده اشعری (ویرایش ترجمه احادیث)

کتاب‌نامه: مهدی هوشمند علی رضا نظری خرم

بازبین نهایی: سید مجتبی غیوری

صفحه‌آرا: سید علی موسوی کی

خوش‌نویس: حسن فرزندگان

نمونه‌خوان: علی نقی نگران، محمود سپاسی، سید هاشم شهرستانی، محمد علی دبّاغی

خروفتچین: حسین افخمیان، علی اصغر دریاب

پیگیری تدوین: مهدی خسروی

ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث با حمایت و مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ: اول / ۱۳۹۱

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۴۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ - ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ - ۰۲۵۱ /

ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) تلفن: ۷۷۴۰۵۴۵ - ۰۲۵۱ / فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم

حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه درب شرقی ۷) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲ - ۰۲۱

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهار راه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب،

طبقه هم‌کف: ۳ - ۲۲۴۰۰۶۲ - ۰۵۱۱

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 627 - 2

ISBN: 978 - 964 - 493 - 628 - 9

❖ کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست اجمالی

درآمد ۷

بخش یکم: مبانی شناخت قرآن

فصل یکم: نام‌ها و اصناف قرآن	۳۷
پژوهشی در باره نام‌ها و اصناف قرآن کریم	۱۲۷
فصل دوم: فرود آمدن قرآن	۱۴۱
پژوهشی در باره نزول دفعی و تدریجی قرآن	۱۵۱
پژوهشی در باره نخستین و واپسین وحی قرآنی	۱۸۸
پژوهشی در باره احادیث نزول قرآن بر هفت حرف	۲۳۲
فصل سوم: گردآوری قرآن	۲۴۷
پژوهشی در باره کاتبان وحی	۲۴۹
پژوهشی در باره گردآوری قرآن	۲۷۲
پژوهشی در باره شمار سوره‌ها و آیات قرآن	۳۰۴
فصل چهارم: نگاه داشتن قرآن از تحریف	۳۱۳
پژوهشی در باره مصونیت قرآن از تحریف	۳۱۹
فصل پنجم: اعجاز قرآن	۳۶۵

درآمد

قرآن کریم، کامل‌ترین کتاب آسمانی است که بر قلب مبارک پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله فرود آمد، و او، آن را به عنوان سنگین‌ترین امانت، در کنار اهل بیت علیهم السلام، به امانت سپرد تا بدین وسیله، جهان، تا دامنۀ قیامت، به راه درست زندگی هدایت شوند و دردهای بی‌درمان خود را درمان کنند و به قلۀ کمالات مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی، دست یابند.

برجسته‌ترین ویژگی‌های قرآن

قرآن، ویژگی‌های فراوانی دارد^۱ که هر یک به طور مستقل، حاکی از جایگاه رفیع این کتاب در میان کتب آسمانی و نیز نقش بی‌بدیل آن در سرنوشتی جامعۀ مطلوب انسانی است؛ ولی برجسته‌ترین ویژگی‌های قرآن را می‌توان در شش عنوان خلاصه کرد:

۱. اصالت

قرآن کریم، اصلی‌ترین منبع دینی و سرچشمۀ اصیل معارف اعتقادی، اخلاقی و عملی اسلام است؛ زیرا:

۱. برای آشنایی تفصیلی با ویژگی‌های قرآن، رک: ج ۳ ص ۲۱ (بخش سوم / فصل دوم: ویژگی‌های معنوی قرآن).

۱. این کتاب آسمانی، معجزه جاوید پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و معتبرترین سند رسالت ایشان و بلکه همه انبیای الهی است؛

۲. اصلی‌ترین دلیل حُجَّتِ سَنَّت، قرآن است؛

۳. معارفی که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یا اهل بیت ایشان صادر شده‌اند، ریشه در قرآن دارند.^۱

۴. قرآن، معیار تشخیص صحت گزارش‌های حاکی از سَنَّتِ پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. بر همین اساس، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر ثقلین، قرآن را بزرگ‌ترین امانات رسالت و «ثقل اکبر» نامیده است.

۲. تحریف‌ناپذیری

دومین ویژگی قرآن، آن است که در طول زمان، دست‌خوش دگرگونی و تغییر (از قبیل افزودنی یا کاستنی) نشده است. نازل شد این کتاب، خود، بدین موضوع، گواهی داده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾.^۲

مایم که ذکر (قرآن) را نازل کردیم و ما نیز نگهبان آن خواهیم بود.

تاریخ مسلمانان و تلاش‌های صورت گرفته در حفظ، کتابت و قرائت قرآن کریم و دیگر دلایل مصونیت قرآن از تحریف - که در این شناخت‌نامه به تفصیل آمده‌اند -^۳ نیز بر این موضوع، شهادت می‌دهند.

۱. ر.ک: دانش‌نامه قرآن و حدیث: ج ۱۰ ص ۷ (فصل چهارم: دانش اهل بیت علیهم السلام / ویژگی‌های علمی اهل بیت علیهم السلام)، ص ۳۹ (درهای علوم اهل بیت علیهم السلام) و ص ۷۵ (سرچشمه‌های علوم اهل بیت علیهم السلام).

۲. حجر: آیه ۹.

۳. ر.ک: ص ۳۱۳ (بخش یکم / فصل چهارم: نگاه داشتن قرآن از تحریف).

۳. جامعیت

قرآن، در حوزه رسالت خود، جامع است^۱ و از بیان هیچ چیزی که در هدایت انسان نقش داشته باشد، فرو گذار نکرده است:

﴿تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ^۲﴾

تبیین کننده هر چیزی است.

گذشته از آیات قرآنی، پیامبر ﷺ و اوصیای ایشان نیز بر این موضوع، شهادت داده‌اند. بزرگ‌ترین قرآن‌شناس، یعنی پیامبر خدا - که گیرنده وحی است -، در حدیثی، در باره جامعیت این کتاب آسمانی، چنین می‌فرماید:

هُوَ الْكَلِيلُ يَدُلُّ عَلَى السَّبِيلِ، وَهُوَ كِتَابُ تَفْصِيلٍ وَبَيَانٍ وَتَحْصِيلٍ، هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَرَبِ لَهُ نَهْرٌ وَتَطْنٌ، فَظَاهِرُهُ حُكْمُ اللَّهِ وَبَاطِنُهُ عِلْمُ اللَّهِ تَعَالَى، فَظَاهِرُهُ وَثِيقٌ وَبَاطِنُهُ غَمِيقٌ، لَا تُخَوِّمُهُ وَ عَلَى تَخْوِيمِهِ تُخَوِّمُ، لَا تُحْصِي عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْلِي غَرَائِبُهُ، فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَمَاءُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ النَّصْفَةَ^۳.

قرآن، رهنمایی است که راه را نشان می‌دهد. قرآن، کتاب تفصیل و روشننگری و تحصیل [حقایق] است. جداکننده میان حق و باطل است و شوخی‌بردار نیست. ظاهری دارد و باطنی. ظاهرش حکم [و دستور] خداست و باطنش علم خداوند متعال. پس ظاهر آن، محکم و استوار است و باطنش ژرفایی دارد و ژرفایش نیز ژرفایی دارد. شگفتی‌هایش بی‌شمارند و عجایب و غرایبش کهنه و تمام نمی‌شوند. چراغ‌های هدایت و پرتوگاه‌های حکمت، در قرآن‌اند. و برای کسی که انصاف داشته باشد، راه‌نمایی به سوی معرفت و شناخت است.

امیر مؤمنان ع - که پس از پیامبر ﷺ آشنا‌ترین انسان با معارف والا و سازنده

۱. ر.ک: ج ۲ ص ۷۵ (بخش یکم / فصل ششم: جامع بودن قرآن).

۲. نحل: آیه ۸۹.

۳. النوادر، راوندی: ص ۱۴۳ ح ۱۹۷.

کتاب الهی است -، در حدیثی، قرآن را چنین توصیف فرموده است:

سپس کتاب را بر او فرو فرستاد، و آن، نوری است که چلچراغ هایش خاموش نمی شوند. چراغی است که شعله اش، فروکش نمی کند. دریایی است که به ژرفایش نمی توان رسید. شاه راهی است که پیمودنش [آدمی را] به گمراهی نمی کشاند. شعاعی است که پرتو آن، به تاریکی نمی گراید. فرقانی (/سنجهای برای حق و باطل) است که برهانش، خاموش [و باطل] نمی گردد. بنای روشنگری است که پایه هایش، فرو نمی ریزند. درمانی است که بیم بازگشت بیماری ها در آن نمی رود. قدرتی است که هوادارانش شکست نمی خورند و حقی است که بارانش، تنها و بی یاور، گذاشته نمی شوند.

پس قرآن، معدن ایمان و کانون آن است، و چشمه های دانش و دریا های آن، و بوستان های عدل و آسایش آن، و پایه های اسلام و بنیان آن، و درّه های حق و دشت های آن است. دریایی است که هر چه از آن آب بردارند، آبش تمام نمی شود، و چشمه هایی است که هر اندازه از آنها آب کشند، خشک نمی شوند. آبشخورهایی است که هر اندازه وارد شوند، در آنها بنوشند، آبشان کاستی نمی گیرد، و منزلگاه هایی است که مسافران، راه آنها را نمی گزینند، و نشانه هایی است که از چشم رهپویان، پوشیده نمی ماند، و پُشته هایی است که رهروان به [قلّه های] آن نمی رسند.

خداوند، آن را سیراب کننده عطش دانشوران، و بهار دل های دانایان، و شاه راه نیکان، و دارویی که پس از آن، دردی نمی ماند، و نوری که هیچ تاریکی ای با آن نیست، و ریسمانی که گره هایش استوار است، و قلعه ای که سستیغ آن، بلند [و دست نایافتنی] است، و برای کسی که آن را حامی خویش گیرد، [مایه] عزّت [و قدرت]، و برای کسی که به آن وارد شود، [مایه] سلامت، و برای کسی که از آن پیروی کند، هدایت، و برای کسی که خود را به آن نسبت دهد، عذر، و برای کسی که با آن سخن گوید، برهان، و برای کسی که به وسیله آن ستیزه کند، گواه، و برای

کسی که با آن حجّت آورد، [مایه] پیروزی، و برای کسی که به آن عمل کند، نگه دارنده، و برای کسی که آن را به کار وادارد، مرکب، و برای کسی که نشانه جوید، نشانه، و برای کسی که سپر بخواهد، سپر، و برای کسی که فرا بگیرد، دانش، و برای کسی که روایت کند، خبر، و برای کسی که داوری کند، حکم قرار داده است.^۱

۴. جاودانگی

یکی از برجسته ترین نکاتی که در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت  در تبیین جایگاه قرآن در اسلام مورد تأکید قرار گرفته، تداوم حیات و جاودانگی این کتاب آسمانی است.^۲ در حدیثی از امام باقر  آمده است:

إِنَّ الْقُرْآنَ شَرُّهُ نَبُوءٌ، وَالْآيَةُ حَيَّةٌ لَا تَمُوتُ، فَلَوْ كَانَتِ الْآيَةُ إِذَا نَزَلَتْ فِي الْأَقْوَامِ مَاتُوا مَاتَتِ الْآيَةُ، لَمَاتَ الْفُتُورُ، وَلَكِنْ هِيَ جَارِيَةٌ فِي الْبَاقِينَ كَمَا جَرَتْ فِي الْمَاضِينَ.^۳

قرآن، زنده است و نمی میرد، و آیه [ها] آن [نیز] زنده اند و نمی میرند؛ زیرا اگر آیه ای که در باره اقوامی نازل شده است، با مُردن آنها می مُرد، قرآن نیز مُرده بود؛ لکن قرآن، در میان آیندگان، جاری است، همچنان که در میان گذشتگان، جاری بود.

همچنین از امام صادق  گزارش شده است که:

إِنَّ الْقُرْآنَ حَتَّى لَمْ يَمُتْ، وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَكَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَيَجْرِي عَلَى آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَى أَوَّلِنَا.^۴

۱. ر.ک: ص ۱۲۳ ح ۱۱۰.

۲. ر.ک: ج ۳ ص ۲۹ (بخش سوم / فصل دوم: زنده و جاری بودن در همه زمان ها).

۳. ر.ک: ج ۳ ص ۲۸ ح ۷۴۳. نیز، ر.ک: تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۶.

۴. ر.ک: ج ۳ ص ۲۸ ح ۷۴۵. نیز، ر.ک: تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۶.

قرآن، زنده است و نمی‌میرد و همواره [در همهٔ زمان‌ها] جاری است، چنان‌که شب و روز، و خورشید و ماه، در جریان‌اند، و همچنان‌که بر اولین کسانِ ما جاری بوده، بر آخرین کسانِ ما نیز جاری است.

این سخن، بدین معناست که معارفی که قرآن در زمینهٔ جهان‌شناسی و انسان‌شناسی ارائه می‌کند و برنامه‌هایی که برای سعادت انسان دارد، منطبق با معیارهای عقلی و علمی و نیازهای فطری انسان‌هاست و از این رو، اختصاص به زمان خاصی ندارد؛ بلکه در طول زمان، زنده و جاوید است.

۵. طراوت

ممکن است چیزی، سال‌ها زنده بماند، ولی در طول زمان، کهنه و فرسوده شود و تازگی و شادابی خود را از دست بدهد؛ اما قرآن، علاوه بر این که همیشه زنده است، هیچ‌گاه کهنه و فرسوده نمی‌شود، بلکه همواره نو و باطراوت است، چنان‌که در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است:

كَلَامُ اللَّهِ جَدِيدٌ غَضُّ طَرِيٌّ.^۱

کلام خدا، همواره نو و تازه و با طراوت است.

در روایتی دیگر آمده است که شخصی از امام صادق (ع) پرسید:

مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَالْدِّرَاسَةِ إِلَّا غَضَاضَةً؟

چرا قرآن، هر چه بیشتر منتشر و مطالعه می‌شود، بر تازگی و طراوت آن، افزوده می‌شود؟

امام (ع) در پاسخ او فرمود:

لَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرِمَازٍ دُونَ رِمَازٍ، وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ

عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَصٌّ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

چون خداوند، آن را برای زمانی خاص و مردمی خاص، فرو نفرستاده است. به همین دلیل، قرآن، در هر زمانی، نو، و برای هر مردمی، تازه است. این ویژگی، حاکی از آن است که معارف قرآن، لایه‌های عمیق و متعددی دارند که در مقاطع مختلف تاریخ، کشف می‌شوند و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. البته هر کسی، قادر به کشف معارف عمیق و حقایق دقیق قرآن نیست؛ بلکه تنها کسانی از این توانایی برخوردارند که از نظر علمی و عملی، شایستگی‌های لازم را داشته باشند.

۶. داشتن بطن و لایه‌های معنایی

قرآن، به سان متن دست‌نویس است که هر چه قدر عمیق باشد، باز هم بتوان به عمق و کُنهِ آن رسید. قرآن، سخن خداوند حکیم دانا و بی‌نهایت است که عالم و آدم را آفرید و از اعماق وجود هستی، آگاه است. حقیقت و اعتبار، دست اوست. ذهن و عین، در اختیار اوست. مکتوب و مخلوق، از آن اوست. خداوند، بر پایه این حکمت و دانایی، کتابش را چنان منظم ساخته که جز او و آن که او بخواهد، کسی نمی‌تواند به کُنهِ آن برسد. این، همان چیزی است که از آن به «بطن قرآن» یا «لایه‌های معنایی قرآن»^۲ و نیز «حقایق قرآنی» یاد می‌شود.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا، وَ لِلْبَطْنِ بَطْنًا.^۳

قرآن، باطنی دارد و باطن آن هم باطنی دارد.

۱. ر.ک: ج ۳ ص ۲۴ ح ۷۳۸. نیز، ر.ک: عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۸۷ ح ۳۲.

۲. ر.ک: ج ۴ ص ۲۴ (بخش ششم / فصل یکم: پژوهشی در باره شماره بطن‌های قرآن).

۳. ر.ک: ج ۴ ص ۲۰ ح ۱۴۶۷.

و در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود:

إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا، وَلِبْطَنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ^۱.

قرآن، ظاهری دارد و باطنی، و باطن آن هم باطنی دارد، تا هفت بطن (لایه درونی).

این حدیث از امام علی علیه السلام نیز به لایه‌ها و بطون معنایی قرآن اشاره دارد:

إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ، وَ الْإِشَارَةِ، وَ اللَّطَائِفِ، وَ الْحَقَائِقِ؛

فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَ الْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ، وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ^۲.

ما از کتاب خدا، بر چهار چیز [قابل تقسیم] است: بر عبارت، اشارت، لطایف و حقایق. عبارت، برای عوام است، اشارت برای خواص، لطایف برای اولیا، و حقایق برای انبیا.

توضیح این مراتب را در جای خود، در این کتاب، خواهیم آورد.^۳

مهجوریت قرآن

اما این درد را به کجا باید برد که کتابی با این ویژگی‌های بی نظیر، نه در گستره جوامع اسلامی و نه حتی در میان ما و در حوزه‌های علمیه، آن گونه که شاید و باید، مورد توجه و بهره برداری نیست.

آیه الله بهجت رحمته الله از امام خمینی رحمته الله نقل کرده‌اند که مرحوم آیه الله حاج شیخ

عبدالکریم حائری فرموده است:

عامه، عترت را کنار گذاشتند و خاصه، قرآن را!^۴

۱. ر.ک: ج ۴ ص ۲۲ ح ۱۴۶۸.

۲. ر.ک: ج ۴ ص ۱۶ ح ۱۴۶۱.

۳. ر.ک: ج ۴ ص ۷ (بخش ششم: تفسیر و تأویل قرآن). نیز، ر.ک: دانش نامه قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۶۳ (مراتب قرآن‌شناسی).

۴. ر.ک: زمزم عرفان: ص ۲۵. آیه الله بهجت در ادامه می‌فرمایند: «البته معنای این سخن، این است که هر

چنین است که در قیامت، آورنده و ابلاغ کننده قرآن، به فرستنده آن، بدین سان، گله می کند:

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَذَرُ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا^۱﴾

و پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.

البته در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات فراوانی به منظور وارد کردن قرآن به صحنه زندگی صورت گرفته است؛ ولی بی تردید، تا رسیدن به نقطه مطلوب و پایان دادن به مهجوریت این کتاب آسمانی، فاصله بسیار است.

شناخت قرآن

نخستین گام در راه پایان دادن به مهجوریت قرآن، شناخت درست و همه جانبه این کیمیای هدایت و سعادت است. مادی‌ها و مادی‌گری است جامعه به طور عام، و مراکز علمی و پژوهشی به طور خاص، تا با کتاب الهی و آثار و برکات آن در عرصه های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی آشنا نباشند، در صدد بهره گیری از آن بر نخواهند آمد. این نکته به قدری اهمیت دارد که امام خمینی علیه السلام، توجه دادن به آن، چنین می فرماید:

از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند، تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که ﴿تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ^۲﴾ است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن، دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع ﴿مَنْ حُوطِبَ بِهِ^۳﴾ از اسرار آن،

۱. الفرقان: آیه ۳۰.

۲. یعنی «روشنگر هر چیز» اشاره است به آیه ۸۹ از سوره نحل. در این باره، ر.ک: ص ۷۱ (بخش یکم / فصل یکم: نام ها و اوصاف قرآن / ویژگی های قرآن / تبیان لکل شیء «روشنگر هر چیز»).

۳. اشاره است به حدیث شریف: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوطِبَ بِهِ: همانا کسی قرآن را می شناسد که مورد

کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدّس و به تعلیم او، خُلص اولیای عظام، دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه، خُلص اهل معرفت به پرتوی از آن، به قدر استعداد و مراتب سیر، بهره‌مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی، بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد، مراحل و مراتب آن، از دسترس بشر عادی دور است، لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد‌های اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیان‌ها و زبان‌های متفاوت نزدیک به فهم، از این خزینه لایتنای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی ﷺ بهره‌هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان، با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهل قرار دهند، و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی، رشحه و جرعه‌ای از آنجمله قلب عوالم^۱ از «ادبنی ربّی»^۲ دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حدّ میسر نمایند، و متقیان تشنه هدایت، بارقه‌ای از آنجمله به صورت تقوا از این سرچشمه جوشان «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ»^۳ هدایت یافته‌اند، برای عاقلان سرخته هدایت الله به ارمغان آورند، و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم، به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدّس، دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن، وقت صرف فرمایند....

خطاب آن قرار گرفته است» (ر.ک: ج ۴ ص ۵۳ ح ۱۴۹۴) و مقصود، پیامبر خدا ﷺ است.

۱. مقصود، پیامبر خدا ﷺ است که قلب عالم امکان است.

۲. یعنی: «هروردگارم مرا تربیت کرد» (ر.ک: مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۵۰۰). حدیثی است از پیامبر خدا ﷺ.

۳. یعنی «هدایت است برای تقوا پیشگان» بخشی از آیه ۲ از سوره بقره است. در این باره، ر.ک: ص ۸۵

(بخش یکم / فصل یکم: نام‌ها و اوصاف قرآن / ویژگی‌های قرآن / هُدی «ره نمون»).

هان، ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! به پاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک^۱ که از روی علم و عمد، به قرآن و اسلام، تاخته [اند] و می‌تازند، نجات دهید و این جانب، از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت، تأسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن، بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محط نظر^۲ و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر - که ضعف پیری بر شما هجوم کرد -، از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده^۳.

شایان ذکر است که مشابه آنچه در پایان فرمایش امام خمینی رحمه الله آمده، در سخنان دیگر بزرگان مانند: فیض کاشانی و ملا صدرا^۴ نیز به گونه‌ای

۱. اشاره است به حدیثی از امام صادق علیه السلام که فرمود «فَلَمَّا قُضِيَ أَقْصَمُ ظَهْرِي أَتَيْتُ عَالِمَ مُتَهْتِكٍ وَ جَاهِلٍ مُتَنَسِّكٍ؛ دو گروه، پشت مرا شکستند: عالمان بی‌توان و جاهلان پاینده به ظواهر شرع» (عوالی الاکالی: ج ۴ ص ۷۷، معدن الجواهر: ص ۲۶).

۲. مورد توجه؛ منظور نظر.

۳. صحیفه امام: ج ۲۰ ص ۹۱-۹۳ (پیام امام به حجاج بیت الله الحرام در ۱۲ مرداد ۱۳۶۶).

۴. صدر المتألهین در مقدمه تفسیر سورة واقعه (ج ۷ ص ۱۰-۱۱) می‌نویسد: من، پیش‌ترها، زیاد و مکرر به مطالعه کتاب‌های حکیمان صاحب‌نظر می‌پرداختم و به آنها بسیار مراجعه داشتم، تا جایی که پنداشتم چیزی هستم. وقتی اندکی بصیرت پیدا کردم و به عالم نگریستم، دیدم هر چند چیزهایی از صفات خدا و تنزیه او از صفات امکانی و حادث و مقداری از معاد نفوس انسان‌ها به دست آورده‌ام، لیکن از علوم حقیقی و حقایق عینی - که با ذوق و وجدان، قابل درک اند - بیگانه‌ام؛ علومی از شناخت خدا و صفات و اسما و کتاب‌ها و فرستادگان او و شناخت نفس و احوال آن، از قبر و باز زنده شدن و حساب و میزان و صراط و بهشت و جهنم و چیزهای دیگر، که حقیقتشان جز با تعلیم خداوند و کشف نور نبوت و ولایت، قابل فهم و شناخت نیست

از این رو بود که به یقین دریافتم که این حقایق ایمانی، جز با تصفیه دل از هوس، و پاک کردن آن از عوارض دنیایی، و کناره گرفتن از همنشینی با مردمان، بخصوص زیرکان، و تدبیر در آیات خدا و حدیث رسول خدا و خاندانش علیهم السلام و سلوک در راه شایستگان در این عمر کوتاه باقی مانده، میسر نیست،

دیگر، مطرح شده است.

تأمل در این سخنان هشدار دهنده و تنبّه آفرین، ایجاب می‌کند که فضیلت جوان حوزه‌های علمیه، در آغاز زندگی علمی خود، قبل از هر چیز با جایگاه قرآن کریم در عرصه‌های معارف اعتقادی، اخلاقی و عملی آشنا باشند، که اگر چنین آگاهی‌ای برای آنان پدید آمد، با همه توان تلاش خواهند کرد تا از انوار اسرار این کتاب

«در حالی که راه طولانی است.

وقتی ناتوانی‌ام را دریافتم و یقین کردم که چیزی نیستم، در حالی که از پرتو نور، تنها به سایه بسنده کرده بودم، به خاطر انتظار فراوان، از جانم شراره‌ای عظیم برخاست و در دلم شعله‌ای از نور افتاد و عنایت ازلی با رحمت خرد، آن سر وایت را جبران نمود و مهر ربانی با اندکی از تابش نورهای ملکوت به دلم نظر افکند و از دریای جرد خط، بی‌از اسرار وجود بر من افاضه کرد. آشکار کننده نهان‌ها و نوربخش ماهیت‌ها، حظ کمی از اسرار آیت و شواهد بیّنات را نصیب من نمود. این گونه من به رموز تنزیل و حقایق تأویل، آگاه شدم و با گزینش خداوند پیمبرش، آغاز به تفسیر برخی سوره‌ها و آیه‌ها کردم و در برطرف کردن حجاب‌ها و کشف نقاب‌ها از سوره‌های روشنی الهی کوشیدم.

الحمد لله، دیدم آیه‌های قرآن همانند طبقه‌های بهشت، در حالی باز دارند و در آنها، چهره‌هایی از حور العین به چشم می‌آید که به اصحاب کشف و یقین ندا می‌دهند: «سلام بر شما! گوارایان باد! وارد آن شوید، برای همیشه. این گونه بود که بسیاری از آیه‌ها و سوره‌های بی‌نهایت و بی‌پایان را تفسیر کردم...». همچنین فیض کاشانی^۱ در رساله الانصاف می‌نویسد: «چندی در مطالعات مجامع متکلمین خوض نمودم و به آلت جهل در ازاله جهل، سعی کردم و چندی در طریق مکالمات متفلسفین به تعلّم و تفهّم پی‌نمودم و یک چند بلندپروازی‌های متصوّفه در اقاویل ایشان دیدم و یک چند در رعونت‌های من عندین گردیدم تا آن که گاهی در تلخیص سخنان طوایف اربع، کتب و رسائل می‌نوشتم و گاهی از برای جمع و توفیق، بعضی را در بعضی می‌سرشتم من غیر تصدیق بکلمات و لا عزیمه قلب علی جملها بل أحطت بما لدیهم فی ذلک علی التمرین زبراً، فلم أجد فی شیء من إشاراتهم شفاء علّتی و لا فی أدواء عباراتهم بلال غلّتی حتّی خفت علی نفسی... ثمّ أنبت إلی الله و فوّضت أمری إلی الله فهدانی الله ببرکة متابعة الشرع المبین إلی التعمّق فی أسرار القرآن و أحادیث آل سید المرسلین - صلوات الله علیهم - یعنی: بی آن که همه‌اش را تصدیق کنم و دلم طالب تمام آنها باشد، بلکه احاطه پیدا کردم بر تمرین به بخشی از داشته‌های آنان، و در اشارات آنان، هیچ شفایی برای بیماری‌ام، و در سخنان و عباراتشان، هیچ مایه رفع تشنگی نیافتم، تا جایی که بر خودم نگران شدم... سپس به خدا انابه کردم و کارم را به خداوند واگذاردم و خدا مرا به برکت تبعیت از شرع مبین، هدایت کرد به ژرف‌کاوی در رموز قرآن و احادیث خاندان سید مرسلین - که صلوات خداوند بر آنان باد - [ده رساله: ص ۱۸۳ - ۱۸۴ «الانصاف»].

آسمانی بهره‌مند شوند و دیگران را نیز برخوردار نمایند و بدین سان در اواخر عمر، برگزیده خود، افسوس نخواهند خورد، و البته برای آگاهی با جایگاه این کتاب آسمانی در عرصه حقایق هستی و معارف دینی، باید به سراغ بهترین قرآن‌شناس رفت.

بهترین قرآن‌شناس

تردیدی نیست که بهترین قرآن‌شناس، فرستنده قرآن - یعنی خداوند منان - است، و پس از او، پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت آن بزرگوار ﷺ؛ زیرا شناخت آنان بر اساس حدس و گمان نیست؛ بلکه بر پایه وحی و الهام الهی است. بنا بر این، آنچه قرآن در توصیف خود بیان کرده، آنچه پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در تعریف این کتاب آسمانی فرموده‌اند، بهترین و معتبرترین سند قرآن‌شناسی است.

معرفی «شناخت‌نامه قرآن»

شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث، در واقع قرآن‌شناسی از منظر بهترین قرآن‌شناسان است. در این کتاب، برای نخستین بار، آنچه خداوند منان در توصیف کتاب خود فرموده و آنچه پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ در تبیین جایگاه رفیع این کتاب آسمانی بیان کرده‌اند، در کنار هم، با نظم نوین و سهل الوصول، همراه با تحلیل‌های مورد نیاز، در هفت بخش، تقدیم قرآن‌پژوهان می‌گردد:

بخش یکم، درباره جایگاه قرآن در حوزه معرفت دینی

در این بخش، نام‌ها و اوصاف قرآن، نزول قرآن، گردآوری قرآن، مصونیت قرآن از تحریف، اعجاز قرآن، جامعیت قرآن، رویارویی با قرآن، نسخ در قرآن، حدوث قرآن، و رابطه قرآن با کتاب‌های آسمانی، در ده فصل، ارائه می‌شود.

بخش دوم، دربارهٔ برکات قرآن

در این بخش، برکات قرآن برای جامعه، برای دل‌ها، برای خانه‌ها، و دیگر برکات این کتاب آسمانی، همچنین داستان‌هایی از برکات قرآن و تأثیر آن در جان‌ها، و نیز نکاتی دربارهٔ درمان با قرآن، و خواص قرآن، در هفت فصل، تقدیم می‌گردد.

بخش سوم، دربارهٔ ویژگی‌های قرآن

این بخش، در پنج فصل، حقایقی را در زمینهٔ ویژگی‌های لفظی و معنوی قرآن، آداب اختصاصی مربوط به این کتاب آسمانی، آیاتی که نام‌هایی ویژه دارند، و سوره‌هایی که از عناوین خاص برخوردارند، در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

بخش چهارم، دربارهٔ تعلیم و تعلم قرآن

این بخش، در سه فصل، به بیان آموزه‌های پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام دربارهٔ تعلیم و تعلم قرآن، و از حفظ کردن آن، اختصاص دارد.

بخش پنجم، دربارهٔ تلاوت قرآن

در این بخش، فضیلت تلاوت قرآن، آداب تلاوت آن، مواردی که تلاوت قرآن ممنوع است، نکاتی دربارهٔ ختم قرآن و قاریان این کتاب آسمانی و اختلاف قرائات، در شش فصل، تبیین می‌گردد.

بخش ششم، دربارهٔ تفسیر و تأویل قرآن

در این بخش، نیاز قرآن به تفسیر و تأویل، شناخت تفسیر و تأویل این کتاب آسمانی، و تفسیرهای ناروا از آن، در پنج فصل، مورد بررسی است.

بخش هفتم، دربارهٔ روش تبلیغ در قرآن

در این بخش - که آخرین قسمت «شناخت‌نامه قرآن» است - شیوه‌های تبلیغی قرآن

که عبارت است از دعوت مردم به آئین حق با تکیه بر برهان و موعظه و جدال احسن و بهره‌گیری از مثل و سوگند، در پنج فصل تبیین می‌گردد.

مراحل تحقیق و تدوین این کتاب

بر پایه آخرین تجربیات، سیر مراحل جمع‌آوری، تحقیق و تدوین شناخت‌نامه قرآن و مجموعه‌های مشابه در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» به قرار زیر است:^۱

۱. جمع‌آوری ابتدایی

در این مرحله، پژوهشگر همکار، منابع اصلی مرتبط با روایات تفسیری را مورد مطالعه و یادداشت برداری قرار می‌دهد و همچنین از طریق کلیدواژه‌های اصلی و مرتبط، و با کمک نرم‌افزارهای رایانه‌ای، بر حجم یافته‌ها می‌افزاید.

۲. تنظیم

تنظیم اطلاعات گردآوری شده، در دو مرحله صورت می‌گیرد: نخست، پژوهشگر همکار، متون مربوط به هر موضوع را طبق سلیقه خود، به‌صورتی و برای تنظیم اولیه، به مؤلف، ارائه می‌کند. مؤلف پس از ساماندهی این متون، آنچه را برای تکمیل کار، لازم است، تذکر می‌دهد و مجدداً آنها را به پژوهشگر همکار، باز می‌گرداند.

پس از رفع نواقص - که گاه چند ماه طول می‌کشد -، موضوع مورد تحقیق، به مؤلف باز می‌گردد و متناسب با یافته‌های جدید، ساماندهی نهایی صورت می‌پذیرد و تنظیم اولیه، گاه، تقویت و تکمیل می‌گردد و گاه، تغییر اصولی می‌یابد.

۱. گفتنی است که شرح این مراحل، با تفصیل بیشتر، در آغاز دانش‌نامه قرآن و حدیث (ج ۱ ص ۸۷-۱۰۰) آمده است.

۳. نقد

در صورتی که پس از تنظیم ثانوی، نقضی مشاهده شود، مجدداً پژوهشگر همکار، برای رفع آن، اقدام خواهد کرد.^۱ در غیر این صورت، حاصل کار، برای نقد و ارزیابی به یک یا دو کارشناس، ارائه و متن، طبق آیین‌نامه خاصی، نقد می‌گردد و پس از نقد متن، اگر ضرورت داشته باشد، اصلاحاتی انجام می‌گیرد.

۴. مصدربابی (تخریج) و انتخاب متون

یکی از مراحل مهم تدوین متون روایی در این پژوهشکده، تخریج یا مصدربابی (منبع‌یابی) متون روایی است. در این مرحله، پژوهشگر دیگری از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری، برای یافتن مصادر (منابع)، جستجو می‌کند. سپس، جامع‌ترین، استوارترین و کهن‌ترین مصدر را انتخاب می‌نماید و نشانی مصادر یافت شده را بر اساس میزان اعتبار آنها، تنظیم می‌کند و اگر متن قوی‌تری یافت شد، جایگزین متن اصلی می‌گردد و گزارش‌های مکرر را، جز در موارد نادر، حذف می‌نماید:

الف - وجود نکته مهمی در متن جدید؛

ب - تفاوت لفظی در متونی (نصوصی) که از طریق شیعه و اهل سنت، نقل

شده‌اند؛

ج - نیاز به تکرار گزارش (روایت) در چند باب، مشروط به این که متن آن، کوتاه

باشد.

در غیر این موارد، روایات مکرر، حذف می‌شوند و نشانی آنها، طبق آیین‌نامه،

در پانویست، افزوده می‌شود.

۱. این اقدام، ممکن است بارها تکرار شود.

۵. نگارش توضیحات و تحلیل‌های مورد نیاز

مرحله دیگر در تدوین این مجموعه و نیز دیگر دانش‌نامه‌های روایی در این پژوهشکده، تهیه توضیحات و تحلیل‌های مورد نیاز است که پس از تشکیل پرونده علمی، توسط مؤلف یا دیگر پژوهشگران، انجام می‌شود.

گفتنی است که جمع‌بندی‌ها و تحلیل‌ها نیز توسط یک یا دو کارشناس، نقد می‌گردند و ابعاد مهم موضوع، به بحث گذاشته می‌شود و اصلاحات مورد نیاز، اعمال می‌گردد و در مواردی که مؤلف نظر خاصی دارد، آن را جایگزین می‌نماید.^۱

۶. تدوین نهایی

در تدوین نهایی، کار تدوین متن و تنظیم پاورقی‌ها، طبق شیوه‌نامه پژوهشکده صورت می‌گیرد که به برخی قواعد این شیوه‌نامه، اشاره می‌گردد:

الف - چینش متون

مهم‌ترین نکاتی که در چینش متون لحاظ می‌گردند، از این قرارند:

۱. پس از ذکر آیات مربوط به هر موضوع، احادیث متون از پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان  تا امام مهدی - عَجَلُ اللهُ فَرَجَه - به ترتیب می‌آیند، مگر احادیثی که عهده‌دار تفسیر آیات قرآن‌اند که بر دیگر احادیث، مقدم می‌گردند. البته، گاه هماهنگی چند روایت در مضمون، موجب می‌شود که این ترتیب، رعایت نشود.

۲. در بخش احادیث، اگر حدیثی، هم از پیامبر ﷺ و هم از یکی از اهل بیت 

۱. لازم به ذکر است، پژوهش‌های این شناخت‌نامه، در پژوهشکده علوم و معارف حدیث و نیز توسط مؤلف، بررسی و تغییرات لازم اعمال و در بعضی موارد، ادغام شده است. نام کسانی که در نگارش هر یک از تحلیل‌ها، همکاری و نقش مؤثر دارند، در پانویست ذکر می‌گردد.

روایت شده باشد، آنچه از پیامبر ﷺ نقل شده، در متن می‌آید و به روایت دیگر، در پانوشت، اشاره می‌گردد.

۳. معیار گزینش یک گزارش (حدیث یا روایت تاریخی) از میان گزارش‌های متعدّد مرتبط، رسا و فراگیر بودن آن است، هر چند از منبعی ضعیف‌تر باشد. در صورت تشابه گزارش‌ها، متن معتبرترین منبع، مقدّم داشته می‌شود.

۴. سعی ما بر آن است که هیچ متنی را از کتاب‌هایی که واسطه به شمار می‌آیند، نقل نکنیم، مگر در موارد دست نیافتن به منبع اصلی، که در این صورت، متن را از کتاب واسطه می‌آوریم و در پی آن، در پانوشت، از منبع اصلی (که کتاب واسطه از آن، نقل کرده است) نیز نام می‌بریم. برای مثال، می‌نویسیم: «بحار الأنوار: ... به نقل از: الذرّ الثمین». البته، از این گونه کتاب‌ها، تنها زمانی نقل شده است که منابع موجود، اندک باشند.

۵. در صورت لزوم، در آغاز هر عنوان و گاه در پایان برخی ابواب، ارجاعاتی به عناوین یا ابواب دیگری از همین کتاب و یا به کتاب‌های دیگر داده شده است که مراجعه به آنها، اطلاعات بیشتری در زمینه موضوع مورد نظر، در اختیار خواننده و پژوهشگر می‌گذارد.

۶. معیار صدرنویسی احادیث، بدین گونه است:

یک. ابتدا نام کتاب و سپس نام آخرین راوی و آن گاه نام پیامبر ﷺ یا اهل بیت ﷺ (اگر از آنان روایت شده باشد) آورده می‌شود.

دو. نام ائمه اهل بیت ﷺ، در متن عربی، به همان صورتی که در مصدر آمده، نقل می‌شود و در کروش (قُلاب)، لقب یا نام مشهور ایشان، ذکر می‌گردد.

سه. به جهت اختصار، چنانچه نام اهل بیت ﷺ در سند، مسلسلّ آمده باشد،

به جای ذکر اسامی آنها یکی پس از دیگری، از عبارت: «یا سنده (با سندش)» در صدر و «عن آبائه (از پدرانش)» در پانویشت، استفاده می‌کنیم که بیانگر این اتصال است.

چهار. هر گاه در منبع، از مروی عنه (گوینده اصلی حدیث)، صراحتاً نام برده نشده باشد، بلکه فقط کُنیه یا لقب او ذکر شده باشد (مثل: ابو الحسن، ابو محمد، العبد الصالح و...)، چنانچه مقصود از آن کُنیه یا لقب را احراز کنیم، نام مروی عنه را هم می‌آوریم، و اگر احراز نکنیم، به همان نحو که آمده، یعنی با کُنیه یا لقب، ذکر می‌نماییم و در پانویشت، احتمالات مطرح در مورد قائل حدیث را می‌آوریم.

پنج. هر گاه در پانویشت، بعد از منبع دوم یا منبع پس از آن، نام قائل (مروی عنه) را ذکر کنیم، این بدان معناست که حدیث در این منبع، از هموست و نه از دیگری که در صدر حدیث، یاد شده است؛ و هر گاه پس از نام قائل یاد شده در پانویشت، عبارت «عنه علیه السلام» یا «عنه علیه» را بی‌آوریم، این، بدان معناست که این قائل، حدیث را به کسی که در صدر حدیث نام برده شده، استناد داده است.

۷. چنان که آمد، در تدوین و نگارش این مجموعه و نیز دیگر دانش‌نامه‌های تدوین شده در این پژوهشکده، از روش موضوعی پیروی می‌کنیم که این، خود، بُرش متون معینی از گزارش‌های مربوط به موضوع مورد نظر را اقتضا می‌کند. این نکته، یکی از اصولی است که برای پرهیز از تکرار، نمی‌توان از آن صرف نظر کرد، مخصوصاً در متن‌های طولانی. ما همواره می‌کوشیم تا آن بُرش نقل شده، کامل، تام و خالی از ابهام باشد، هر چند با آوردن توضیحات لازم در آغاز متن، و البته با رعایت زیبایی سیاق و وارد نیامدن خدشه‌ای به نظم متن.

بنابر این، صدر حدیث - که نوشته ماست -، در واقع، مکمل متن است، به طوری که بدون آن، گاه فهم حدیث، ناممکن می‌شود، و گاهی اوقات هم این صدر.

در فهم پاره‌ای شناسه‌ها و خصوصیات حدیث - که به خواننده در فهم فضای حدیث، کمک می‌کنند -، مفید است.

۸. قبلاً گفتیم که معیار انتخاب هر متن از میان متون، قوّت و فراگیر بودن آن است؛ اما با این حال، گاه متن برگزیده، دارای پاره‌ای اغلاط ناشی از تصحیف یا سهو راویان است. در این گونه موارد، سعی کرده‌ایم که آن اغلاط را به اقتضای نوع غلط، از طریق مراجعه به چاپ‌های مختلف منبع یا مراجعه به کتاب‌های واسطه (مثل بحار الأنوار)، رفع و تصحیح کنیم، البته در صورتی که این کتاب‌ها از منبع ما نقل کرده باشند؛ چرا که در این صورت، به منزله نسخه‌ای از نسخه‌های منبع به شمار می‌آیند، و اگر منبع واسطه‌ای موجود نبود، با مراجعه به منابع دیگر و تأیید گرفتن از آنها، رفع و اصلاح انجام می‌گیرد.

در همه این موارد، اماکن دارنده علمی رعایت می‌گردد و به جد، سعی می‌شود که از بازی با متن، پرهیز گردد و توضیحات لازم، در پانویست آورده شود، مگر در موردی که تصحیف، قطعی باشد. در این صورت، آن را در متن، تصحیح می‌کنیم و به مورد اشتباه، در پانویست، اشاره می‌نماییم.

۹. در صورت وجود توضیحاتی در وسط متن برگزیده که ربطی به موضوع نداشته باشند، از ذکر آنها خودداری و به جای آنها، سه نقطه گذاشته می‌شود. البته، در متن‌های کوتاه، بنا بر آوردن تمام نقل است، هر چند در لابه‌لای آنها، توضیحاتی آمده باشد که ربطی به موضوع ندارد. این کار، برای اجتناب از تقطیع متن، صورت می‌گیرد، مگر آن که مجبور به تقطیع آن شده باشیم.

۱۰. افزوده‌های میان دو قلاب (کروشه) از ماست، خواه این افزوده‌ها برای بیان مرجع ضمیر غایب (مستتر یا بارز) باشد یا هر توضیح دیگری و افزوده‌های میان دو هلال (پرانتر)، در متن عربی، از منبع است، خواه نسخه بدل باشد یا جز آن.

۱۱. تا حدّ ممکن، می‌کوشیم تا واژگان پیچیده و دور از ذهن را شرح دهیم و برای این کار، به کتاب‌های اصلی لغت و غریب الحدیث (مانند: النهایة فی ابن اثیر، الصحاح جوهری، القاموس المحیط فیروزآبادی، المصباح المنیر فیومی، مفردات ألفاظ القرآن راغب) و دیگر منابع معتبر، تکیه می‌کنیم. به هر روی، سعی داریم که معنای مناسب را شکار کنیم - البته اگر چنین تعبیری درست باشد - و از میان معانی متعدّدی که گاه برای یک واژه ذکر می‌شود، معنای متناسب با سیاق حدیث را برگزینیم.

در شرح پاره‌ای عبارات و ترکیبات پیچیده، از کتاب‌هایی که متون حدیثی را شرح کرده‌اند (مانند: مرآة العقول، الوافی، توضیحات مجلسی در بحار الأنوار، شرح نهج البلاغة فی ابن ابی الحدید، فتح الباری و جز اینها) نیز کمک می‌گیریم.^۱

۱۲. اعلام اشخاص و اعلام جغرافیایی، دو مورد دیگری است که به شرح آنها اهتمام داریم و از طریق کتاب‌های انساج و تراجم و منابع جغرافیایی و جغرافیای تاریخی (نظیر معجم البلدان)^۲ و همچنین نشه‌های جدید - که به سفارش ما، توسط متخصصان تهیه می‌شوند -، به توضیح این موارد می‌پردازیم.

ب - تنظیم پاورقی‌ها

۱. تنظیم منابع (مصادر) در پانوشته‌ها، بر پایه‌ی میزان اعتبار منابع، صورت

۱. در ویرایش فارسی و بازبینی ترجمه، به ضرورت، به گروه دیگری از منابع نیز مراجعه شده است، از جمله برای شرح لغات، به: لسان العرب، معجم مقاییس اللغة، غریب الحدیث هروی و ابن قتیبه و بُستی و خرب و سرقسطی، الفائق، الطراز یحیی بن حمزه، تاج العروس، تاج المصادر بیهقی، منتهی الأرب و برخی کتاب‌های مرجع فارسی، و برای شرح عبارات و ترکیبات پیچیده، به: المجازات القرآنیة، المجازات النبویة، الطراز سید علی خان مدنی و الدبیاج الوضی، گرچه غالباً ذکر منبع، امکان‌پذیر نبوده است.

۲. در ویرایش فارسی و بازبینی ترجمه، به ضرورت، به گروه دیگری از منابع جغرافیایی و جغرافیای تاریخی نیز مراجعه شده است، از جمله: جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران و فرهنگ اعلام جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره نبوی، گرچه غالباً ذکر منبع، امکان‌پذیر نبوده است.

می‌گیرد. بنا بر این، هیچ‌گاه منبع ضعیف بر قوی مقدم آورده نمی‌شود،^۱ مگر در حالات خاصی، مانند وقتی که بخواهیم از تکرار نام راوی یا تکرار اشاره به اختلاف، با تعبیر «نحوه (مشابه آن)» اجتناب بورزیم، که در چنین مواردی، ترتیب یادشده، رعایت نمی‌شود.

۲. منابع شیعی از منابع اهل سنت، جدا می‌شوند و هر یک از این دو مجموعه، جداگانه ذکر می‌گردند. این دو مجموعه را در پانوشته با نشانه نقطه ویرگول (؛)، از هم جدا می‌کنیم. همچنین، ارجاعات به یک مجموعه از منابع (مثلاً منابع شیعه) نیز با نشانه ویرگول (،)، از هم جدا می‌شوند.

۳. بسیاری اوقات در یک منبع، یک نقل، دو شماره دارد: یکی شماره مسلسل که از ابتدای کتاب شروع و در پایان آن، تمام می‌شود، و دیگری، شماره مربوط به بابی که حدیث در آن آمده است، و ما همواره، شماره مسلسل را بر می‌گزینیم.

۴. معیار برای ذکر شماره صفحات، شروع شدن متن برگزیده ما در آن صفحه است.

۵. معیار عمده برای ذکر اختلافات در پانوشته، تأثیر این اختلافات در معنا یا مفید بودن ذکر آنها برای خواننده است، و این اختلافات، در صورت ضرورت، دقیقاً ذکر و با واژه «نحوه (مشابه آن)» نشان داده می‌شوند.

۶. پس از ذکر منابع در پانوشته، گاه با تعبیر «ر. ک.» در متن فارسی و «راجع»:

۱. کتاب‌های حدیثی موجود در پژوهشکده علوم و معارف حدیث (اعم از منابع شیعه و اهل سنت)، بر پایه اصول و معیارهای خاصی مرتب و طبقه‌بندی شده‌اند؛ معیارهایی چون: تقدم تاریخی کتاب، شخصیت مؤلف، احراز انتساب کتاب به مؤلف، ارزش کتاب در محافل علمی، و دیگر معیارها و اصول ارزش‌گذاری کتاب‌ها. همین‌ها، معیار ترتیب منابع در پانوشته‌ها نیز قرار گرفته‌اند.

در متن عربی، ارجاعاتی به برخی منابع، داده می‌شود. گفتنی است که در این گونه موارد، متن مورد ارجاع، با متن کتاب، تفاوت بسیار دارد؛ اما در عین حال، ملاحظه آن برای پژوهشگر، سودمند است.

۷. پاره‌ای اختلافات، با عبارات زیر، توضیح داده می‌شوند: «و فيه كذا بدل كذا (در این منبع، فلان عبارت به جای فلان عبارت آمده)»، «لیس فيه كذا (در این منبع، فلان عبارت، وجود ندارد)»، «لیس فيه من كذا إلى كذا (در این منبع، از فلان کلمه تا فلان کلمه وجود ندارد)»، «بزيادة كذا بعد كذا (با افزونی عبارت فلان، بعد از فلان کلمه)»، «بزيادة كذا فی آخره (با افزونی فلان عبارت در پایان آن)».

چنانچه در برخی منابع، عبارت کاملی از ابتدای حدیثی که در متن آمده، حذف شده باشد، با عبارت «السر فيه صدره» (در این منبع، صدر حدیث نیامده) به این اختلاف، اشاره می‌کنیم؛ اما اگر عبارت، محذوف، کامل نباشد، آن را با این عبارت، خاطرنشان می‌سازیم: «ولیس فيه صلواتی إلى كذا (در این منبع، از آغاز حدیث تا فلان کلمه نیامده است)».

اگر این کاستی در آخر حدیث و یک جمله کامل باشد، آن را با این عبارت توضیح می‌دهیم: «و لیس فيه ذیلُه» (در این منبع، پایان حدیث نیامده است)؛ ولی اگر یک جمله کامل نباشد یا چند جمله باشد، آن را با این عبارت، خاطرنشان می‌سازیم: «و لیس فيه من كذا إلى كذا (در این منبع، بخش پایانی حدیث، از فلان کلمه تا فلان کلمه، نیامده است)».

۸. هر کلمه یا عبارتی که بعد از ذکر یک منبع بیاید - خواه برای بیان نام راوی باشد، یا برای بیان اختلاف و یا تعبیر «نحوه» - فقط به آن منبع مربوط می‌شود، مگر آن که همراه با یکی از این الفاظ، آمده باشد: «کلاهما (هر دو منبع)»، «کُلُّها (همه منابع)»، «فیهما (در این دو منبع)» و «فیهما (در همه این منابع)» که در این صورت، به

منابع پیش از آن نیز برمی‌گردد. گفتنی است که هر گاه دو استخراج از یک منبع بیاید، هر یک از آن دو، استخراج مستقّلی به شمار می‌آید و آنچه گفتیم، درباره آن نیز جاری است.

نیز باید دانست که به کار بردن تعبیر یاد شده، گاه ما را وامی‌دارد که ترتیب منابع (بر حَسَب اعتبار آنها) را رعایت نکنیم. بنا بر این، این بند از توضیحات، بر بندهای پیشین - که برای توضیح روش خود آوردیم -، حاکم است.

برای مثال، اگر راوی یا مروی عنه (یعنی گوینده اصلی حدیث)^۱ در دو یا چند منبع، یکی باشد، در این هنگام، این منابع را در پانوش، به صورت پیایی یاد می‌کنیم و در پی آن، یکی از این دو تعبیر را به کار می‌بریم: «کِلَاهِمَا عَنْ» (در هر دو منبع از) و «كُلُّهَا عَنْ» (همه آن از)؛ و چنانچه مرجع ضمیر، موجب اشتباه گردد، به جای آن، تعداد منابع هم‌سخن در این باره را ذکر می‌کنیم. برای مثال آورده‌ایم: «و الثلاثة الأخيرة عن الإمام الباقر (ع) (سه مورد آخر، از امام باقر (ع)).»

۹. رمزهای «ج»، «ص» و «ح» را در پانوش، به ترتیب، برای نشان دادن جلد و صفحه و شماره حدیث به کار می‌بریم. از این اصل، موارد زیر، استثنا محسوب می‌شوند: سخنان صحابیان و تابعیان و راویان و محدّثان، متون تاریخی و نیز هر آنچه اصطلاح «حدیث»، شامل آن نمی‌شود و همچنین آن دسته از احادیث که در ضمن شرح حال راویان آمده‌اند یا شماره‌هایی که نشانی شرح حال‌اند (و نه نشانی حدیث). در تمامی این موارد، به جای رمز «ح»، کلمه «الرقم» را در عربی و رمز «ش» را در فارسی به کار می‌بریم.^۲

۱. مقصود، پیامبر یا امامی است که حدیث، از او نقل شده است.

۲. گفتنی است که توضیح مراحل تدوین آثار دانش‌نامه‌ای این پژوهشکده (که شناخت‌نامه قرآن نیز از

پس از آماده شدن متن نهایی، شرح لغات، شرح اعلام اشخاص و اعلام جغرافیایی، ویرایش، نمونه خوانی، اعراب گذاری، و اقدامات ضروری دیگر - که هر کدام، شیوه نامه خاص خود را دارند -، توسط کارشناسان خبره انجام می گیرند و کتاب، آماده طبع و نشر می گردد.

دو تذکر مهم

۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر ﷺ روایت شده اند، در واقع، حدیث پیامبر خداوند، همان گونه که امام رضا ﷺ فرمود:

إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ.^۱

ما را از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوئیم.

نیز امام صادق ﷺ می فرماید:

حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ ﷺ، وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ ﷺ، وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ، وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ ﷻ.^۲

سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدم است و سخن جدم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند ﷻ است.

به همین دلیل، در این کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر ﷺ و خاندان

«جملة آنهاست»، و شیوه نامه های اصلی مربوط، در آغاز دانش نامه قرآن و حدیث (ج ۱ ص ۸۷-۱۰۰)، به تفصیل آمده است.

۱. رجال الکشی: ج ۲ ص ۴۹۰ ح ۴۰۱، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲.
۲. الکافی: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴، الإرشاد: ج ۲ ص ۱۸۶، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸. نیز، ر.ک: اهل بیت ﷺ در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۲۶۱ (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست).

او، یکسان بهره گرفته شده است.

۲. یکی از آداب مهم نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ است. کلینی در الکافی از امام علی ﷺ روایت کرده است:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ.^۱

هنگامی که حدیثی را نقل می‌کنید، آن را با ذکر نام روایت‌کننده‌اش نقل کنید. در این صورت، اگر [آن حدیث] درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، بر عهده راوی است.

بنا بر این، برای رعایت احتیاط، توصیه‌ای داریم که کسانی که می‌خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی برای دیگران نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، گویند: «پیامبر ﷺ چنین فرمود» یا: «امام ﷺ چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر ﷺ چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر ﷺ چنین روایت شده است».

قدردانی و سپاس

لازم می‌دانم از همه فضلای پژوهشگران و عزیزانی که در تنظیم، تحقیق، تدوین، ویرایش و آماده‌سازی این اثر سهیم هستند، بویژه پژوهشگر ارجمند حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای اصغر هادوی کاشانی که در آغاز تدوین آن در جمع‌آوری متن اولیه مرا یاری داد و نیز فاضل گرانقدر حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد احسانی‌فر که ادامه کار را به عهده گرفت و نیز از همه فضلای پژوهشگرانی که در نگارش تحلیل‌ها همکاری داشته‌اند، و همچنین برادران فاضل و ارجمند

حجج اسلام آقایان سید محمد کاظم طباطبایی و عبد الهادی مسعودی که در نقد متن و تکمیل تحلیل های این مجموعه نقش اساسی داشتند، صمیمانه سپاس گذاری نمایم.

همچنین از جناب آقای حمیدرضا شیخی، مترجم گران قدر آثار اهل بیت علیهم السلام، که با ترجمه دقیق و روان خود، زمینه بهره برداری از متن آیات و احادیث این مجموعه را به زبان فارسی فراهم ساخت، تقدیر و تشکر دارم و در این شب پر برکت، شب نزول قرآن، از خداوند منان برای آنان و همه عزیزانی که در تدوین و آماده سازی کتاب، نقش داشته اند، پاداشی درخور فضل و بزرگواری حضرتش مسئلت دارم.

وَإِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ!

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِالْحَسَنَاتِ!

محمد محمّدی ری شهری

پ ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۲

۱۳۹۰/۶/